

یادداشت

درباره‌زاینده‌رود

فهریده اکباتانی*

● درباره زاینده‌رود، این شریان هستی‌بخش و تمدن‌ساز فلات مرکزی ایران، سخن بسیار گفته شده است و در اینجا، قصد تکرار آنها را ندارم. هدف این نوشته، در راستای به‌عقلانیت‌کشاندن راهکار بحران کنونی است. بحرانی که مدتی است دغدغه خاطر نه فقط اصفهانی‌ها بلکه همه ایرانیان و تا حدی جهانیان شده است. در همه جهان، رودخانه‌های طولیل با برخورداری از مدیریت یکپارچه و کارشناسانه، از چند کشور و ایالت عبور کرده‌اند و سال‌های متمادی به حیات خود ادامه داده‌اند. اصفهان که در گذشته به دلیل استقرار صنایع سنگین و آلاینده مانند فولاد، پتروشیمی، ذوب‌آهن، پالایشگاه و نیروگاه، رگورددار انواع سرطان‌ها و بیماری‌های قلبی بوده و مفتخر به دریافت عنوان پایتخت ام‌اس ایران شده بود، اکنون با خشکی زاینده‌رود و پیامد آن؛ خشکی تالاب گاوخونی، میزبان ریزگردهای آلوده به مواد شیمیایی و سمی شده است. تالابی که می‌توانست بازدارنده ریزگردها و عوارض ناشی از آن باشد، اکنون به تهدیدی جدی برای سلامت مردم بدل شده است. امروز دیگر پیامدهای خشکی زاینده‌رود، فراتر از مسائل کشاورزان و … ده ساله تالاب گاوخونی، غولی خفته است که در صورت بیداری، همه منطقه مرکزی ایران، اصفهان، یزد، قم و حتی تهران را تهدید می‌کند. ترک‌برداشتن پلهای تاریخی، این سرمایه‌های ملی و شاید فراملی، دغدغه دیگری است که جسم و روح مردم را فرسوده کرده است؛ مردمی که به شهادت همگان، مشارکت بسزایی در جبهه‌های جنگ تحمیلی و البته پیروزی انقلاب داشته‌اند. این مردم با ایمان قلبی، روزهای سخت انقلاب و جنگ را تحمل کردند و در راه حفظ این مرز و بوم و استقلال کشورشان، شهدای زیادی دادند و اگر لازم باشد سختی‌های بیشتری را تاب می‌آورند. آنچه امروز آنها را آزرده‌خاطر کرده است، نه‌فقط خشک‌سالی و خشم طبیعت که رفتار چندگانهِ و غیرشفاف مسئولان است. حرف آنها این است که در شرایط خشک‌سالی و درحالی‌که حقایبه‌داران اصلی زاینده‌رود از حق خود محروم شده‌اند، چرا باید آب با صرف هزینه زیاد به استان‌های دوردست منتقل شود؟ درحالی‌که قرار بود این انتقال‌ها، پس از تکمیل تونل سوم کوهرنگ انجام شود؛ درشرایطی که دولت‌ها هیچ اقدامی برای اتمام این طرح نکرده‌اند و رنجب بودجه‌ای به آن اختصاص داده نشده است. نبود درک واقع‌بینانه و پایدار در مدیریت کل آب در کشور و اتخاذ سیاست‌هایی با هدف رسیدن به منابع کوتاه‌مدت، باعث به‌راه‌انداختن فضایی روانی شده است. درآمد حاصل از این صنایع آلاینده مستقر در استان، جزء درآمد ملی است و رقمی چشمگیر در بودجه کل کشور محسوب می‌شود؛ ولی آلودگی و پیامدهای منفی آن نصیب مردم می‌شود اگر با مردم صادق باشیم از آن صورت، با پردرباری بیشتری سختی‌ها را تحمل می‌کنند و بازار شایعات هم داغ نخواهد شد که هرکس دلیلی برای این کار بیابود از جمله آب‌فروشی! شایعات، زمانی رواج پیدا می‌کند که شفافیت نباشد. آنچه امروز مردم اصفهان می‌خواهند، شفافیت مسئولان در قبال این بحران و زایش دوباره زاینده‌رود، البته با حفظ حقوق مردم استان چهارمحال‌وختیاری، است. زیرا همگان باور دارند؛ زاینده‌رود باید زنده بماند.

«**عضو مؤسس جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست اصفهان**

منابع

پوریا‌سوری رئیس روابط‌عمومی سازمان میراث‌شد

● **شرق:** معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در حکمی «پوریا سوری» را به سمت رئیس مرکز روابط‌عمومی و اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری منصوب کرد. در بخشی از حکم دکتر احمدی‌پور ضمن تأکید بر اهمیت و جایگاه مرکز روابط‌عمومی و اطلاع‌رسانی آمده است: «سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و کاربرد شیوه‌ها و رویه‌های مناسب برای انعکاس اهداف، سیاست‌ها، فعالیت‌ها، برنامه‌ها و مواضع سازمان به مخاطبان، رسانه‌ها و جامعه، گِردآوری، جمع‌بندی و تحلیل نظرها و دیدگاه‌های مردم، نخبگان و رسانه‌ها در زمینه فعالیت‌های سازمان، اعلان مواضع شفاف سازمانی متاسب با رویه‌های و ورخدا‌های روز، نوآوری، خلاقیت و طراحی فعالیت جدید در حیطه وظایف روابط‌عمومی، مدیریت پایگاه‌های اطلاع‌رسانی الکترونیک سازمان و افکارسنجی عمومی به‌منظور بازیابی مسائل و ارائه راهکارهای مناسب، نظارت مؤثر بر اجرای صحیح سیاست‌های تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی دولت و تعامل دوسویه با سایر حوزه‌های درون و برون‌سازمانی و بهره‌گیری از توان کارشناسی همکاری کارکنان در راستای تحقق مأموریت‌ها و اهداف سازمان اهتمام‌شایسته به عمل آید». پوریا سوری، مدیر اطلاع‌رسانی دانشگاه آزاد اسلامی، مدیرمسئول دوهفته‌نامه «رویه‌رو» و از روزنامه‌نگاران باسابقه کشور است.

شرق: روز گذشته به صورت رسمی حکم اعدام بابک زنجانی از سوی دیوان عالی تأیید شد. وکیل مدافع بابک زنجانی، معروف‌ترین زندانی این روزهای ایران و همچنین معاون نظارت و بازرسی دیوان عالی کشور از صدور حکم دیوان عالی در پرونده بابک زنجانی این خبر را اعلام کردند. با این حساب، می‌توان این‌گونه گفت که معروف‌ترین زندانی اقتصادی این روزهای ایران که بیشتر از سه سال است در زندان به سر می‌برد، با رأی دادگاه اعدام خواهد شد. پرونده بابک زنجانی از همان اولین روزهای دستگیری‌اش، به یکی از پرحاشیه‌ترین و بحث‌برانگیزترین موضوع‌های رسانه‌ای کشور بدل شد و افراد عادی زیادی هم در گفت‌وگوهای روزمره و هم در شبکه‌های اجتماعی، دراین‌باره اظهارنظر کرده‌اند. حالا و با تأیید حکم اعدام او، بار دیگر بحث‌ها پیرامون سرنوشت زنجانی داغ شد. برهمن‌اساس، «شرق» به سراغ تعدادی از شهروندان رفته و نظر آنها را درباره تأیید حکم اعدام او پرسیده است، سؤال «شرق» به این شرح بود: «حکم اعدام بابک زنجانی امروز تأیید شد؛ نظر شما درباره اعدام‌شدن این فرد چیست؟» آنچه در ادامه آمده است، پاسخ‌ها به این پرسش است:

ندا، ۳۲ ساله و مهندس عمران است، او نظرش را درباره اعدام بابک زنجانی این‌گونه بیان می‌کند: «به نظر من، می‌خواهند بابک زنجانی را اعدام کنند که مطالبات عمومی درباره این پرونده کاهش پیدا کند و این‌طور به نظر برسد که همه چیز با عدالت به پایان رسیده است. این در حالی است که در تمام این روزها، یک‌بار به صورت مشخص گفته نشد چه بر سر پول‌ها آمد…».

سمیه، ۳۵ساله و حسابدار نیز می‌گوید: «درباره ماجرای زنجانی، سؤال‌های زیادی باقی مانده، کاملاً معلوم است او پول‌ها را در جیب نگه داشته است. اول باید پول‌ها را از او پس بگیرند و سپس برای مدتی زندانی‌اش کنند». مرتضی ۳۷ ساله و فارغ‌التحصیل رشته برق و واردکننده توربین‌های برقی است، او هم درباره حکم اعدام بابک زنجانی می‌گوید: «به نظر من فارغ از نوع جرم، نفس اعدام درست نیست. با اعدام بابک زنجانی، سابقه و انگیزه جرم او از بین می‌رود و بررسی احتمالی این پرونده را در آینده ناممکن می‌کند».

حامد، ۳۴ ساله و فارغ‌التحصیل رشته موسیقی و کارمند نیز درباره اعدام بابک زنجانی، می‌گوید: «من کاملاً با اعدام افراد مخالفم، اما درباره این شخص خاص باید بگویم، اعدام زنجانی کاری را از پیش نمی‌برد جز آنکه سرسلسله‌های فساد، پشت پرده این حرکات پنهان می‌شوند. تا وقتی بستر آلوده است و بی‌قانونی را به‌گونه‌های مختلف می‌توان اجرا و توجیه کرد، ما شاهد

اتفاقاتی ازاین‌دست و چه‌بسا در مقیاس بسیار بیشتر، خواهیم بود».

علی، ۳۵ ساله و فارغ‌التحصیل رشته سینما و کارمند نیز به «شرق» می‌گوید: «حکم اعدام بابک زنجانی، حکم به نابودی جعبه سیاه هوایمای فساد اقتصادی قبل از رمزگشایی است. تأیید حکم اعدام بابک زنجانی، منجر به ادامه فعالیت مفساد اقتصادی خواهد شد».

سودابه ۴۵ ساله و کارشناس علوم سیاسی و مدیر مدرسه نیز درباره اعدام زنجانی می‌گوید: «بابک زنجانی مهره‌ای سوخته است که بود و نبودش فرقی نخواهد کرد. بعد از اعدام زنجانی، دیگر کسی نخواهد پرسید چرا حساب او بررسی نشد؟ درواقع زنجانی قربانی اختلاس‌های بعدی می‌شود».

آقای منصوری ۳۸ ساله و فعال حوزه گردشگری هم دراین‌باره چنین نظری دارد: «به نظر من در هر فرهنگی، هر ملیتی و هر کشوری، با سناریوی مشابه، اگر برای شخصی زانند بابک زنجانی اعدام در نظر بگیرند، باعث ازبین‌بردن شواهد و مدارکی است که

درباره تخلف وجود دارد. به نظرم بابک زنجانی ابتدای ریسمان فساد است که از آب بیرون آمده و با اعدامش برای همیشه اصل ماجرا در زیر آب پنهان می‌ماند. این ریسمان نباید به‌راحتی پاره شود تا حقیقت کم بشود».

لیلی ۲۸ ساله و کارمند یک مرکز خرید هم، چنین نظری دارد: «با اعدام موافق نیستم! به نظرم برای این فرد توقیف اموال یا حبس کافی است».

مریم ۲۵ ساله هم می‌گوید: «به نظر من اعدام زنجانی حتی پاک‌کردن صورت‌مسئله هم نیست، بلکه آلوده‌ترکردن یک صورت‌مسئله بی‌جواب است».

جلال ۳۵ ساله، طلبه و کارمند دادگستری: «نسبت به این حکم حالتی دوگانه دارم؛ ولی فکر کنم اجرای عدالت درباره او همین حکم اعدام



باشد که تأثیر بیشتری دارد؛ اما این را که تکلیف پول‌های حیث‌ومیل‌شده چه می‌شود، نمی‌دانم». امیر ۴۰ساله و دارای بنگاه فروش خودرو، دراین‌باره چنین نظر می‌دهد: «به نظر اعدام او اشتباه است و این حکم هزار شیبه در ذهن من به‌عنوان یک شهروند درست می‌کند که زنجانی که بود و چه کسی او را درست کرد و پول‌ها را چه کار کرد و مسبب ظهور امثال زنجانی، چه کسی است و ده‌ها سؤال دیگر از این دست».

مستانه ۲۶ ساله دانشجوی تازه فارغ‌التحصیل‌شده: «در وهله اول، ناراحت هستم به‌خاطر مخالف بودنم با حکم اعدام. در این مورد خاص هم به نظرم خیلی بیشتر این حکم توی ذوق می‌زند. اعدام البته باعث پاک‌کردن صورت‌مسئله می‌شود و پایان‌دادن به تمام چراهای شکل‌گرفته اطراف این آدم و روابطش».

مریم عکاس و ۳۰ساله هم معتقد است: «اعدام یعنی فرد به جای سیستم فاسد مجازات شد» و ادامه می‌دهد: «به نظرم زنجانی قربانی شد متأسفانه».

زهر ۲۵ساله و خانه‌دار هم دراین‌باره می‌گوید: «به‌نظرم نباید اعدام بشود، این مرد می‌تواند یک راهکار اقتصادی باشد».

سمیه ۳۵ساله و مهندس عمران هم چنین نظری دارد: «مخالفم، کلاً با اعدام مخالفم، من اعدام زنجانی به‌طور ویژه؛ چون اعدام مشکلی را حل نمی‌کند. پولی هم برنمی‌گردد». امید، ۳۲ساله و فعال حوزه محیط زیست هم می‌گوید: «با اعدام‌کردن کاری درست نمی‌شود، باید پول‌ها را پس بدهد همین».

سجدا، ۳۰ساله و فعال در حوزه میراث فرهنگی هم معتقد است: «با اعدام فقط صورت‌مسئله پاک می‌شود، نه چیز دیگر. این فرد نباید اعدام شود و تمام دیون خود را پرداخت کند. حال از طریق شرکای خارجی که اعلام آمادگی کرده‌اند یا فروش اموال. از سویی من معتمد

«شرق» در گفت‌وگو با شهروندان نظر آنها را درباره تأیید حکم اعدام بابک زنجانی پرسیده است

اعدام، پول می‌شود؟

بابک زنجانی مغز متفکر، اقتصاددان و کارآفرین است و با اعدام او با وجود اختلاس‌گریودنش، یک مغز متفکر حذف می‌شود و باید به‌عنوان یک سرمایه این فرد حفظ شود». محمدعلی، ۳۷ساله و استاد دانشگاه: «اغلب رانت‌ها از بزرگ‌تر از این فرد منشا می‌گیرد، به‌هرحال از این افراد می‌توان به شکل‌های دیگری استفاده کرد و حذف این افراد صحیح نیست. باید بماند و در دادگاه علنی محاکمه و به‌طور شفاف به خطاهایش رسیدگی شود».

احسان، ۲۹ساله و عکاس: «به نظر من اعدام بابک زنجانی کاری است اشتباه و نه‌تنها سرمایه خارج شده از کشور برنخواهد گشت، بلکه باعث می‌شود افرادی که پشت پرده در این موضوع نقشی دارند مخفی بمانند و در سلامت کامل بر قدرت و نفوذ خود

بفرزیند».

حسین، ۳۳ساله و کارمند اداره راه‌آهن: «بابک زنجانی یک مهره خیلی کوچک به حساب می‌آید که به‌نظم دارد قربانی می‌شود، من فکر می‌کنم این آدم‌ها مخشان خیلی کار می‌کند».

محمدعلی، ۳۴ساله، بازاری هم دراین‌باره می‌گوید: «مگر بقیه را اعدام کردند که این یکی اعدام بشود؟ این هم مثل افراد دیگر».

محبوبه، ۳۲ساله، شاغل در آزمایشگاه: «مردم عادی خیلی درگیر کل ماجرا نبودند و خیلی نمی‌دانیم چه خبر بوده، نمی‌دانیم واقعا از راه‌های غیرقانونی دزدیده مال مملکت را یا صرفاً به‌عنوان یک مهره سوخته است. اگر واقعا پولی دزدیده برای من کمش با یک قاچاقچی مواد یکی است؛ باید اعدامش کنند، ولی اگر قضیه غیر از این باشد چه؟». ناصر، ۲۸ساله، کارمند: «اطلاعات ما درباره پرونده بابک مثل نوک کوه یخ بیرون از آب است. هیچی نمی‌دانیم و نمی‌توانم اظهارنظری کنم».

ابوالفضل، ۲۵ساله، یک رستوران: «من فکر می‌کنم او سیر بلای دانه‌درشت‌ها شد».

فهمه، ۳۰ساله، خانه‌دار: «آدمی که بتواند تحریم دور بزند خیلی هوش زیادی دارد، نباید اعدام بشود. تازه یک عده‌ای هم به‌او کمک کردند، آنها چه می‌شوند پس؟! اعدامش بکنند یا نکنند پول‌هایی که خورده است هیچ‌وقت به بیت‌المال برنمی‌گردد».

رها، ۳۵ساله، کارمند بانک: «من مخالف اعدامم، اگر پولی خورده باشد، کلی هم اشتغال ایجاد کرده، چرا این اقداماتش دیده نمی‌شود؟». سارا، ۲۶ساله، خانه‌دار: «اعدام بابک زنجانی اشتباهه است، دولت باید از هوش چنین آدم‌هایی استفاده کند و تکانی به اقتصاد مملکت بدهد». جواد، ۳۱ساله، ویراستار: «من معتقد هستم پول‌هایی که برده را از او بگیرند، بعدش دیگر مهم نیست. هرچند پول‌ها هم در نهایت به جیب مردم نمی‌رود».

منابع

بعد از جنواره چه برنامه‌هایی برای افرادی که در جنواره حضور داشته‌اند، دارند؟

همچنین صندوق رفاه دانشجویان برخلاف عنوانش، کارکردی جز به‌دکارکردن دانشجویان به نظام بانکی کشور نداشته است. تفاهم‌نامه صندوق رفاه دانشجویان و صندوق کارآفرینی امید موجب آن شده است که دانشگاه با استفاده از امکاناتی که بنا به عرف و مطابق با معیشت متعارف حق اوست، در نظام بانکی کشور به‌دکار تلقی شود و حق استفاده از سایر اعتبارات بانکی را از دست بدهد. بودجه‌ای که باید صرف رفاه و معیشت کلیه دانشجویان شود، به وام‌های اشتغال و کارآفرینی استحاله شده و فقط در اختیار اقلیتی از دانشجویان قرار می‌گیرد. نگاه سیاست‌گذاران صندوق کارآفرینی امید، نگاه مستدنی بر حصول حداکثر سود است. این نگاه با ماهیت صندوق رفاه که در واقع بخشی از صندوق‌های تأمین اجتماعی به‌شمار می‌آید، سازگار نیست. چنین است که استیلای صندوق کارآفرینی امید بر صندوق رفاه دانشجویان موجب ازبین‌رفتن امنیت اقتصادی دانشجویان شده است.

تبعیض جنسیتی، در قالب سهمیه‌بندی جنسیتی رشته‌های دانشگاهی، محدودیت‌های بیشتر در رفت‌وآمد و ساعت‌های ورود و خروج به خوابگاه‌های دختران، نگاه قیّم‌آیانه مسئولان و سوءاستفاده از روابط عاطفی خانواده‌ها برای محدودسازی بیشتر دختران و ده‌ها مورد ریز و درشت دیگر نمود یافته است، و طرفه آنکه این همه همواره به بهانه‌هایی همچون تأمین امنیت و مصلحت دختران دانشجویان اتفاق می‌افتد. اما نکته پیداست که اینجا هیچ یک معنایی جز نفی بدهات این واقعیت ساده ندارند که زن، به‌مثابه نوع انسان، خود توان درک موقعیت و تصمیم‌گیری در مورد امور مربوط به خویش را دارد. دخالت بی‌دلیل خواگه‌ا و دانشگاه در زندگی شخصی دختران نمی‌تواند جز زیرسؤال‌بردن استقلال فردی، آزادی عمل و عزت نفس دانشجویان دختر، هدفی با خود داشته باشد.

شوراهای صنفی، این تنها شکل برآمده از رأی مستقیم دانشجویان که البته وادار هیچ جریان سیاسی‌ای نیست درهای دانشگاه نیست، در شرایط کنونی پرچمدار اعتراضات دانشجویی و پژواکده صدای مستقل دانشجویان است. داشتن چنین جایگاه و کارکردی موجب شده است که مسئولان وزارت علوم بر سر راه اتحاد و عمل مشترک شوراهای صنفی سراسر کشور به نحوی مداوم سنگ‌اندازی کنند.

در کنار نهاد شورای صنفی، تلاش برای استقلال دانشگاه از قدرت و سرمایه و نیز تقویت نگاه انتقادی مستقل از قدرت، تنها درجه امید برای بیرون‌شدن از وضعیت فعلی است.

باتناترمعلولان‌به

جشنواره‌های سراسری می‌رویم

درست است که امسال چهارمین جشنواره تئاتر بین‌المللی معلولان برگزار می‌شود، اما جشنواره‌های ملی و منطقه‌ای را هرساله برگزار کرده‌ایم. آخرین جشنواره کشوری معلولان سال ۱۳۹۲ برگزار شده است و تا سال ۹۵ برگزاری جشنواره‌ها در شش منطقه کشوری پیگیری شده است. این روزها ما در میان اهالی تئاتر، هنرمندانی را می‌بینیم که در گذشته به توانایی‌های معلولان یا به عبارتی هنر توانمندان اعتقادی نداشتند؛ اما الان از توانایی‌های بالای این عزیزان در حوزه تئاتر صحبت می‌کنند. خود بچه‌های معلول با استفاده از هنر و آموزش در کنار اراده قوی و مصمم توانسته‌اند به چنین جایگاهی دست یابند. معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد و خانه تئاتر در این جشنواره حضور دارند و با ما در برگزاری جشنواره از نزدیک همکاری می‌کنند. این مسئله ما را به این واقعه و رویداد نزدیک می‌کند.

❧ **این دوره از جشنواره تئاتر معلولان در دو بخش مسابقه و جانبی برگزار می‌شود. کمی درباره این دو بخش توضیح دهید.**

۴۱ گروه نمایشی در جشنواره حضور دارند. ۲۹ گروه از ایران در بخش مسابقه شرکت می‌کنند که شش گروه خارجی نیز به این بخش افزوده می‌شوند و در مجموع ۳۵ گروه در بخش مسابقه حضور خواهند داشت. از آنجاکه برخی گروه‌ها از لحاظ کیفیت اثر، به تشخیص هیات بازیبن نمی‌توانند در بخش مسابقه جشنواره حضور یابند، حمایت از حضور آنها در جشنواره می‌تواند در ارتقای علمی و کسب تجربه کمک کند.

❧ **افراد معلول، نیازهای ویژه‌ای دارند و در نتیجه برای اجرای تئاتر نیز به شرایط خاصی مانند آشناسدن با مکان اجرا و… نیازمند هستند. برای این مسئله چه فکری کرده‌اید؟ آیا این امکان وجود دارد که سالان را زودتر به گروه‌ها تحویل دهید تا آنها با سالن آشنا شوند؟**

اشاره به لفظ نیاز ویژه، باعث محدودیت اجتماعی این عزیزان می‌شود؛ بنابراین از سؤال شما حذف می‌کنم؛ چون تغییر شرایط محیط است که می‌تواند سبب فعالیت اجتماعی یک فرد دارای معلولیت شود و امید است با مناسب‌سازی محیط و تغییر نگرش، زمینه حضور اجتماعی این عزیزان را فراهم کنیم.

تمام گروه‌ها موظف بوده‌اند پیش از حضور در جشنواره بین‌المللی تئاتر معلولان، هفت بار در سطح استان‌ها تورهای نمایشی و اجرا داشته باشند و پس از گذراندن تمام این مراحل در جشنواره پذیرفته شده‌اند. تمام این آثار در جشنواره منطقه‌ای شرکت کرده و حائز رتبه اول بوده‌اند؛ در نتیجه با اجرا در سالن‌های مختلف آشنایی دارند. به غیر از معلولان جسمی شدید که مناسب‌سازی شرایط محیط و صحنه برایشان اهمیت دارد و برای معلولان نابینا یا ناشنوا که موارد بسیار اندک تغییرات محیطی مورد نیاز است، باقی معلولان؛ حتی معلولان ذهنی به تغییرات آن‌چنانی نیاز ندارند. از سویی دیگر هر گروه اعزامی از استان را کارشناس توانبخشی آشنا به هنر هم همراهی می‌کند. البته ما در صحنه نمایش از به معلولیت ذهنی عزیزانی می‌بینیم که دیالوگ‌هایی را حفظ می‌کنند که افراد سالم هم متعجب می‌شوند؛ چون حتی برای آنها حفظ‌کردن این متون بسیار دشوار است. البته کار مربیان و اعضای گروه این عزیزان بسیار دشوار، اما شیرین است و منجر به خلق صحنه‌های بدیع می‌شود.

❧ **بعد از جنواره چه برنامه‌هایی برای افرادی که در جنواره حضور داشته‌اند، دارند؟**

ما تنها به جشنواره‌ها بسنده نمی‌کنیم. فرایندی که ما در سال داریم، به جشنواره ختم می‌شود. اگر عزیزان هیچ فعالیتی را انجام نمی‌داند و فقط در جشنواره‌ها حضور داشتند، نمی‌توانستند تا این حد در سطح بین‌المللی غور وقرن بمانند. این اتفاق نشان می‌دهد جریان مستمری هم در تئاتر معلولان وجود دارد. بخش آموزش نیز رکن مهمی در این مسیر دارد. ما هنر را بخشی از توان‌بخشی می‌دانیم؛ بنابراین فرایند تئاتر معلولان مستمر است و برنامه‌هایمان را خواهیم داشت. استان‌های کشورمان را به مناطقی همچون زاکرس، کویر، کاسپین، آق‌اب، طلوع، خلیج فارس تقسیم کرده‌ایم و جشنواره‌های منطقه‌ای برگزار می‌کنیم تا با توجه به شرایط اقلیمی فرهنگی و بومی باهم کار کنند و این جریان تداوم خواهد داشت. همچنین تصمیم داریم با حضور گروه‌های تئاتر معلولان در سطح بین‌المللی شرایطی فراهم کنیم که عزیزان معلول کشورمان بتوانند به‌بخش‌های فراکشری هم حضور داشته باشند. البته تاکنون تا حدودی این اتفاق افتاده است و ما از آنها حمایت کرده‌ایم.

❧ **سال‌هاست که بحث تئاتر معلولان بر سر زبان‌ها افتاده است و هم در بخش آموزش و هم برگزاری جشنواره‌ها فعال بوده‌اید. میزان تأثیرگذاری تئاتر را بین معلولان و شرایطی‌چطور ارزیابی می‌کنید؟**

سازمان بهزیستی از سال ۱۳۷۳ بخش هنری را راه انداخت. اولین جشنواره بین‌المللی تئاتر را در سال ۱۳۸۲ برگزار کردیم و پس از آن جشنواره‌ها به‌صورت منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی ادامه یافتند. تداوم این مسائل و این اتفاق که عزیزان معلول بتوانند مطالبه‌گر باشند، نشان می‌دهد این بخش توانسته است تأثیر کافی را در بحث معلولان بگذارد. ما پس‌یکودرام هم داریم که افراد سالم را نیز از لحاظ روانی تقویت و درمان می‌کند؛ پس هنر تئاتر محدودیتی ندارد و فرقی میان افراد جامعه در این هنر وجود ندارد.